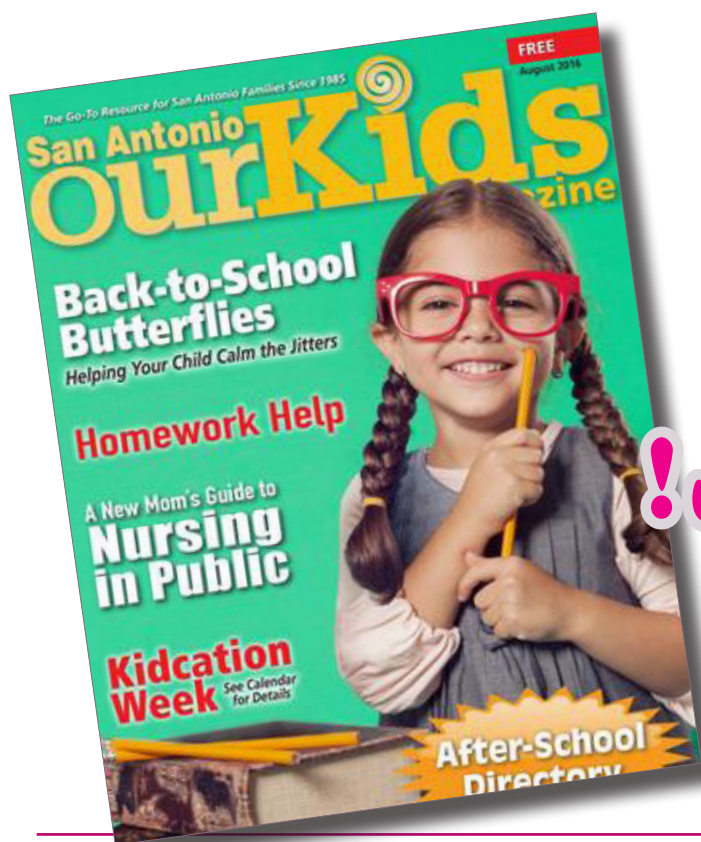


در نشریه روانشناسی (The Psychologist)؛ ما شیفته مجله‌ها هستیم. اگرچه ممکن است محتوا و ظاهر نشریه، ترکیبی از روزنامه و مجله باشد؛ ولی به اعتقاد ما، شناسه کار، روشن و شفاف است. عموم نظرسنجیهای انجام گرفته از مخاطبان، این موضوع را منعکس می‌کند که "بیشتر شبیه به مجله هستیم تا هر چیز دیگری". به اعتقاد ما، این موضوع خوب است و زمان آن فرا رسیده تا تردید را کنار بگذاریم و امیدوار باشیم همزمان با راه‌اندازی مجدد نسخه چاپی در ژانویه، مجله‌ای سربلند به‌شمار آئیم. ما اعتقاد داریم که مجله‌ها اهمیت دارند.

آیا موارد یادشده نوعی دلبستگی احساسی به یک شکل از تاریخ گذشته است؟ به‌تازگی زمان و انرژی فراوانی برای حضور بر خط^۱ و دیگر شکل‌های رسانه‌ای، صرف کرده‌ایم؛ آیا این همان کاری است که باید انجام شود؟ آیا برای اولین نسل خوانندگان دیجیتالی، شکل کاغذی نشریه نامربوط است؟ یا این که تحقیق‌های انجام شده به وسیله روانشناسان و دیگران، بیانگر این است که مجله‌ها مزیت‌های واقعی و حتی مزیت‌های غیر ملموس و اسرار آمیزی دارند!

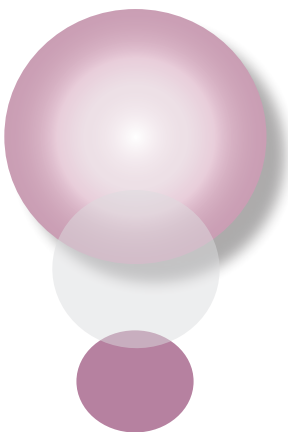
ترجمه: محمد میکائیلی

E. Rhodes



مجله‌ها

چه اهمیتی دارند!



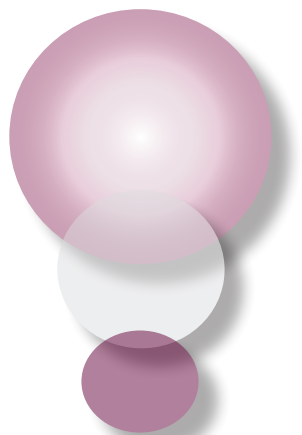
فرمان نشستیم، احساسی خوبی نسبت به این فناوری که قرار است مرا به مقصد برساند، نداشتم، و فقط شبیه به یک وسیله وحشتناک بود که مدل استاندارد شده‌ای برای واکنش به آن نداشتم. ولی این مدل‌های استاندارد شده، به مرور زمان ایجاد، و اینک تبدیل به طبیعی‌ترین مسائل جهان شده است.

از هایلر درباره دیدگاه نیکولا یویل سؤال کردم که می‌گوید، مطالعه از طریق صفحه‌نمایش و نسخه‌چاپی، بسیار متفاوتند. آیا تنها به زمان نیاز داریم تا نسل جدید، این دو روش را یکسان ببیند؟ به نظر او، جامعه، مطالعه را از روی نسخه‌چاپی نمادی سنتی برای امری می‌داند که روشنفکری نام دارد. به عقیده وی، «ما برای مطالعه دیجیتالی در مدارس آموزش ندیده‌ایم. تنها به ما یاد داده‌اند که گویا مطالعه دیجیتالی هم مانند مطالعه کاغذی است؛ و بدون حساسیت خاصی نسبت به دو روش یاد شده، همیشه تصور می‌شود که مطالعه الکترونیکی نسبت به مطالعه نسخه‌چاپی کیفیت پایین‌تری دارد. در حالی که این دو شیوه مطالعه، هر دو با اهمیت و مهارت‌های به‌طور کامل متفاوتی هستند.»

جنی تامسون (Jenny Thomson)، محقق زبان و سوادآموزی در دانشگاه شفیلد (Sheffield) است که در زمینه بررسی عصب‌شناسی مشکلات یادگیری کودکان و **نارساخت خوانی** رشدی^{۱۴} کار می‌کند. به نظر وی، بزرگسالان برای مطالعه روان از روی صفحه نمایش، بیشتر تقلا و سعی می‌کنند، شاید به این علت که مغز ما به مطالعه از روی نسخه‌چاپی عادت کرده است؛ و می‌گوید، نسل‌های بعدی این موضوع را بهتر مدیریت خواهند کرد: «بیشتر مطالبی که کودکان مطالعه می‌کنند، چیزهای زیادی دارد که آنها را به کلیک کردن در اینجا و آنجا، ترغیب می‌کند؛ ولی تصور می‌کنم آنها نسبت به ما شرایط بهتری در مطالعه صفحه نمایش یا کتابخوان الکترونیکی، داشته باشند.»

نمایش مطلب است. او می‌گوید که بحث درباره «این یا آن» نیست؛ بلکه انتظار می‌رود که کار بیشتری روی قالب‌های گوناگون مطلب الکترونیکی انجام پذیرد. به عقیده وی، ما در وضعیت دشواری هستیم؛ زیرا بسترهای متعدد و متفاوتی برای خواندن برخط فراهم آمده و فناوری همیشه در حال تغییر است. مطالعه از روی صفحه نمایش، فناوری بسیار منعطفی است؛ ولی معنای سنتی هم موضوعی مهم است. زمانی که تهیه‌کنندگان می‌خواهند یک نسخه دیجیتالی همانند نوع کاغذی عرضه کنند، از زاویه غلطی با موضوع برخورد می‌کنند؛ چرا که این دو، هرگز یکسان نخواهند بود، زیرا دستگاهی که استفاده می‌کنید، در برخورد شما با آن اثر می‌گذارد.

مت هایلر (Matt Hayler)، دانش‌پژوه انگلیسی دانشگاه بیرمنگهام (Birmingham)، همکاری نزدیکی با دانشمندان علوم شناختی داشته و از اعضای **مطالعه الکترونیکی (E-READ)**^{۱۵} است. گروه یاد شده، شبکه‌ای بین‌رشته‌ای است که روان‌شناسان، فلسفه‌دانان، جامعه‌شناسان و دانش‌پژوهان انسان‌شناسی را گرد هم می‌آورد تا مدلی تهیه کنند که خواندن دارای چه مفهومی است و مطالعه الکترونیکی چه چیزی را ممکن است تغییر دهد. کارهای هایلر به «قواعد دستوری» یا قواعد ناخودآگاهی می‌پردازد که همه ما وقتی به موضوعی برخورد می‌کنیم، از آن پیروی می‌کنیم. به نظر هایلر، مطالعه الکترونیکی همچنان برای بعضی افراد «درست» به نظر نمی‌رسد؛ زیرا هنوز باید برای چگونگی برخورد با آن مجموعه «قواعد دستوری» تهیه شود و زمانی که استاندارد لازم برای تعامل با یک موضوع در دست نباشد، به صورت باورنکردنی احساس گمشدگی خواهیم کرد. این احساس را هر شخصی که آموزش رانندگی دیده باشد، درک می‌کند: «اولین باری که پشت



مجله‌ها

تنها دربرگیرنده

اطلاعات نیستند

کلمه‌های چاپی

ممکن است

به موضوعی احساسی

همانند موضوعی

مربوط به خود خواننده

تبدیل شوند

تامسون زمان زندگی در بوستون (Boston)، در دانشگاه هاروارد (Harvard) با یک متخصص فیزیك نجومی^{۱۵} کار می‌کرد که نارساخوانی شدیدی داشت. او به تامسون گفته بود که توانایی مطالعاتی‌اش با آیفون (iPhone) به مراتب بهتر است. براساس یافته‌های تحقیق تامسون روی دانش‌آموزان نارساخوان دبیرستانی، آنها می‌توانستند با مطالعه متون پیشرفته، اعم از داستانی و غیرداستانی از روی گوشی هوشمند، در مقایسه با نسخه کاغذی یا حتی کامپیوتر دستی، متن‌ها را بهتر درک کنند. آن پنجره کوچک گشوده‌شده روی متن، در واقع به آنها کمک می‌کرد؛ البته مطالعه رمان روی گوشی هوشمند برای کسانی که مطالعه‌سنتی را یاد گرفته‌اند، دردآور است.

تامسون به معایب مطالعه برخط نیز اشاره می‌کند: "برخی شرکت‌های قدرتمند برای افزایش سود تجاری خود، تحقیق‌هایی برای به‌دام‌انداختن پیرشان‌گونه ما انجام می‌دهند. البته، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی برای این طراحی شده‌اند که چندرسانه‌ای و جذاب باشند؛ اما بازیگران بزرگ فناوری برخط در این جهان، تلاش می‌کنند که چگونه افراد را از یک چیز به چیزی دیگر ببرند- مغز ما شانس ندارد!"

با وجود این، به نظر نمی‌رسد که بمباران همیشگی آگهی‌های تبلیغی و فرایوندها، برای همه معضل باشد. تحقیق‌ها نشان داده‌اند افرادی که ظرفیت حافظه‌ای کمتری دارند، در زمان مطالعه متنی که پر از فرایوند است، درک بسیار عمیق‌تری دارند. در مقابل به نظر می‌رسد افرادی که حافظه قوی‌تری دارند، فراگیری بهبود یافته‌تری دارند. تامسون می‌گوید: "فرایوندها، خواننده را وامی‌دارد تا برای ایجاد نوعی طرح ادراکی، بجنگد؛ از اینرو مطلب بیشتری به حافظه می‌رود. این موضوع تأثیرهای بزرگی برای کتاب و طراحی دیجیتال آنها دارد."

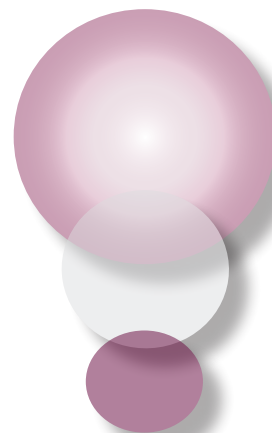
حالا چرا با مزیت‌های مطالعه دیجیتالی- برخی مشهود و برخی کمتر آشکار- این همه به نسخه چاپی وابسته‌ایم؟ طبق نظر تامسون: "بخشی از آن، به چگونگی سیستم ارتباطی ما و بخشی نیز به مسئله نسلی مربوط است. آیا در طول نسل‌ها این موضوع تغییر خواهد کرد؟ نمی‌دانم! ما از نظر عینی و حتی بوی کتاب به آن وابسته هستیم و تجربه مثبتی داریم، به همین خاطر، تصور می‌کنم رها کردن آن دشوار باشد. من به این موضوع فکر می‌کنم که آیا کودکان نیز در آینده برای

مطالعه دیجیتال احساس دلتنگی خواهند کرد... به احتمال همین طور است؛ گرچه به نظر می‌رسد لذت عینی آن تجربه، کمتر باشد.

فرا تر از اطلاعات

من با دیگران که صحبت می‌کنم، در حال بازگشت به نسخه عینی مجله هستند. فریس جبر (Ferris Jabr)، روزنامه‌نگار، نویسنده مقاله عالی «مغز مطالعه‌گر در عصر دیجیتال»، عقیده دارد که مجله‌ها اهمیت دارند. او آنها را **اژدهای آتشین**^{۱۶} توصیف می‌کند: «به عنوان شیئی عینی، مجله‌ها از کتابهای جلدکاغذی معمولی، که یک بوم بزرگ برای کلمات و عکسها عرضه می‌کنند، قطع بزرگ‌تری دارند و این به آن معناست که برای تجسم تصویری، فرصت بیشتری فراهم می‌آورند که به افراد کمک می‌کند بدانند کجای متن هستند و به خاطر بسپارند که یک مطلب را در کجای نشریه خوانده‌اند. به دلیل ارجحیت دادن به زیبایی شناسی تصویری در میان صفحه‌ها، و نه تنها روی جلد، مجله‌ها یک تجسم حسی بسیار قوی را خلق می‌کنند که حافظه را بهبود می‌دهد. همچنین، مجله‌ها به طور معمول به عنوان لوازم دائمی کتابخانه قلمداد نمی‌شوند- بخاطر آن که آنها را بدون نگرانی خم می‌کنیم، تami زنییم، پاره می‌کنیم و برش می‌زنیم- در عین حال، مجله‌ها با دیگران راحت‌تر به اشتراک گذاشته و به صورت عمومی خوانده می‌شود.»

مت هایلر به ایده مجموعه «قواعد دستوری» اشاره می‌کند که طی دهه‌ها در مورد مجله‌ها، ایجاد شده‌اند. «مجله مجموعه‌ای است که شما می‌توانید قسمتی از آن را ببرید، از جا گذاشتن آن در مطب دکتر یا قطار خوشحال می‌شوید و از آن به عنوان زیرلیوانی^{۱۷} یا مگس‌کش^{۱۸} استفاده می‌کنید... مجله بسیار کاربردی است!» ولی هایلر به مزیت دیگری نیز اشاره می‌کند؛ به نظر او مجله‌ها هم سرگرم‌کننده و هم عرصه‌ای جدی برای سازمان‌دهی مطالب است، موضوعی که اهمیت آن در دنیای با حجم بالای اطلاعات، روزافزون است. وی اضافه می‌کند: «مجله‌هایی نظیر **وایرد** (Wired)، کماکان نسخه چاپی خود را دارند؛ ولی وقتی سراسر اینترنت پر از اخبار فناوری باشد، اصول مقاله‌نویسی، و اصول طراحی، نیز وجود دارند و شما می‌دانید که مطالب خوبی جذب خواهید کرد. این موضوع، در شرایطی که حجم اطلاعات بسیار بالاست، با اهمیت و تسکین‌دهنده است. با تمام اینها، ممکن است مردم این طور بیان



مطالعه از روی

صفحه نمایش

و

نسخه چاپی

به عنوان

مکمل هم

دیده شوند

تا رقابت‌کننده

شناختی، تقویت فرهنگ دیجیتال درخصوص تغییر سریع حواس و منابع چندگانه حواس پرتی، ممکن است مدار توسعه فرایندهای درک کوتاهاتر، و نیز از نظر شناختی بیشتر مورد نیاز را کوتاه کند، که موجب شکل‌گیری مطالعه عمیق و تفکر عمیق می‌شود.

پس شاید، مجله‌ها موجب تلاش شناختی بیشتر شوند. تحقیق‌های محیط‌کار شناختی^{۲۱} در این باره، به‌طور درخور توجهی متناقض و منسوخ است؛ برای مثال، بررسی سال ۲۰۰۸. اما مطالعات روانشناسی راکت اکرمین (Rake-fet Ackerman) دستکم نشان می‌دهد که مطالعه‌کنندگان نسبت به نسخه‌چاپی با ذهنیت یادگیری برخورد می‌کنند؛ در صورتی‌که این موضوع ممکن است از روی نسخه صفحه نمایش، کمتر باشد.

فریس جبر این سفر سخت‌تر و خطی یعنی مطالعه از طریق صفحه‌های چاپی را، «تقشه‌برداری واضح‌تر، نسبت به مطالعه متن از روی صفحه نمایش» توصیف کرده است. مجله باز، دو دامنه به‌طور واضح و تعریف‌شده را برای خواننده عرضه کرده است - صفحه‌های چپ و راست - و در مجموع هشت گوشه که شخص ممکن است خود را با آن آشنا کند. به این ترتیب، خواننده می‌تواند بدون ازدست‌دادن چشم‌انداز کل متن، روی یک صفحه تمرکز کند؛ می‌تواند نقطه شروع و پایان مجله و قرار گرفتن یک صفحه در این مرزها را مشاهده کند. شخص حتی می‌تواند ضخامت صفحه‌های خوانده‌شده و باقیمانده را هم حس کند. ورق‌زدن صفحه‌های مجله، مانند باقی‌گذاشتن ردپا، یکی بعد از دیگری، در مسیر راهپیمایی است. یک آهنگ دارد و یک سابقه‌عینی که شخص چه مسافتی را پیموده است. تمام این ویژگیها، نه‌تنها هدایت متن در مجله، بلکه ترسیم نقشه ذهنی منسجم در مورد متن را نیز آسان‌تر می‌کند. در مقابل، بیشتر صفحه نمایشها، کتابهای

کنند: «اگر این مجله را فقط ماهی یکبار بخوانی، خوب است!»^{۲۲} به‌نظر پروفیسور بروس هود (Bruce Hood) از دانشگاه بریستول (Bristol)، مجله‌ها تنها دربرگیرنده اطلاعات نیستند. کلمه‌های چاپی ممکن است به موضوعی احساسی، همانند موضوعی مربوط به خود خواننده، تبدیل شوند. هود این‌طور توضیح داده است: «برای احساسی‌شدن، موضوع باید اصیل باشد: یگانه‌بودن در عصر تجدیدچاپ دیجیتال، برای بسیاری از ما اهمیت فزاینده دارد... یک کتاب بردار... هرچه تاریخ تجدیدچاپ به نویسنده نزدیک‌تر باشد، اصیل‌تر و با ارزش‌تر است. حس و بوی کلمه چاپی هم چیزی نیست که بتوان آن را در شکل دیجیتالی تکرار کرد. مطالعه نسخه‌چاپی مستلزم درگیرشدن عینی است، موضوعی که فناوری به‌راحتی نمی‌تواند با آن رقابت کند.»

اطلاعات بالادستی و پایین‌دستی

بدین ترتیب، مجله ممکن است «شیئی احساسی» باشد... اما آیا می‌توانیم بهتر عمل کنیم و مزیت‌های ملموس بیشتری برای کلمات چاپی پیدا کنیم؟

روانشناسان، ماریان ولف (Maryanne Wolf) و مریث بارزیلای (Mirit Barzillai)، نوشته‌اند که غوطه‌ورشدن در مطالعه‌ای که بیشتر برخط باشد، ممکن است به‌جای انعکاس عمیق و تفکر اصیل، به مهارت‌های شناختی خاصی نظیر چندکاره‌بودن^{۲۳} و عادت‌دادن دانش‌آموز به جمع‌آوری سریع اطلاعات و تغییر سریع حواس منجر شود. فوریت و حجم اطلاعات در دسترس، ممکن است دانش‌آموزان جدید را به‌راحتی به این فکر اشتباه‌و‌ادارد که آن‌چه را نیاز دارند بدانند، در اختیار دارند. به این ترتیب، هنگامی که اطلاعات کامل به‌نظر می‌رسد، چه انگیزه‌ای وجود دارد که دانش‌آموز به‌دنبال بالادستی یا پایین‌دست آن برود؟ از دیدگاه عصب‌شناسی

نهیید و به‌گونه‌ای با آن برخورد کنید که با نسخه‌های عرضه‌شده دیجیتال، نمی‌کنید.

ما معتقدیم مجله کاغذی با اهمیت است. ولی نظر شما شرط است؛ شما راهنمای ما در این سفر هستید!



پانوشته‌ها:

- 1- Online
- 2- Devices
- 3- Offline
- 4- Podcasts
- 5- Tablet
- 6- Screen
- 7- Vulture posture
- 8- Crouched down
- 9- Hunched
- ۱۰- گرد خوابیدن (Curled up) اصطلاحی است که بیانگر حالت بدن شبیه جنین در رحم مادر می‌باشد که سر و پاها به داخل شکم جمع‌شده و کل بدن به تقریب شکل گرد می‌گیرد.
- 11- Evolution of Reading in the Age of Digitisation (e-READ)
- 12- Grammar
- 13- Neuroscience of learning difficulties
- 14- Developmental dyslexia
- 15- Astrophysicist
- 16- Chimers
- طبق افسانه‌های یونان باستان، ازدهایی ماده متشکل از سه حیوان، سر از شیر، بدن از بز، و دم از مار.
- 17- Coaster
- 18- Fly swatter
- 19- Playful
- 20- Multitasking
- 21- Ergonomic

منبع:

Why Magazines Matter, *The Psychologist*, 2018

الکترونیکی، تلفنهای هوشمند، و کامپیوترهای دستی، با هدایت بصری متن تداخل دارند و شخص را از ترسیم نقشه سفر در ذهن خود، محروم می‌کنند.

جبر به اهمیت "برخوردهای اتفاقی و حس کنترل" در هدایت کلمه‌های چاپی اشاره دارد، او از تحقیق‌هایی یاد می‌کند که نشان می‌دهند بسیاری از خوانندگان به‌صورت گذرا، نگاهی به متن برخط می‌اندازند و برای مطالعه عمیق بعدی، آن را چاپ می‌گیرند. موارد یادشده، به‌همراه تحقیق‌های انجام شده به‌وسیله روانشناس **کیت گارلند** (Kate Garland) نشان می‌دهد که نسخه چاپی برنده است! گارلند در گفتگو با خبرنگار عصب‌شناسی **تایم** (TIME.com)، **مایا زالویتز** (Maia Szalavitz) توضیح داد، زمانی که شما چیزی را به‌یاد می‌آورید، دو حالت دارد؛ یا آن را «می‌دانید» و فقط به‌یاد شما می‌آید- بدون لزوم به‌یادآوری آگاهانه فضایی که آن را یاد گرفته بودید- یا این که از طریق تلنگر زدن به خود درباره آن فضا، آن را «به‌یاد» می‌آورید و سپس، رسیدن به پاسخ. «دانستن» بهتر است؛ می‌توانید وقایع مهم را سریع‌تر و با تلاش کمتر به‌یاد آورید. یافته‌های ما این بود که اشخاص از روی کاغذ در طول زمان سریع‌تر شروع به «دانستن» مطلب می‌کنند. رسیدن به وضعیت دانستن (در خواندن با کامپیوتر) طولانی‌تر و (مستلزم) آزمون تکراری بیشتر بود؛ ولی در نهایت افرادی که کار را با کامپیوتر انجام می‌دادند، خود را به کسانی می‌رسانند که مطلب را از روی کاغذ می‌خواندند.

شاید مقصد یکسان باشد؛ اما ته خط و چگونگی رسیدن به مقصد، به اولویت شخص بستگی دارد. شاید بهترین تعریف این است که مطالعه از روی صفحه نمایش و نسخه چاپی، به‌عنوان مکمل هم دیده شوند تا رقابت‌کننده؛ البته، بدیهی است که هر دو مزیت‌هایی دارند. در هر حال، امیدواریم همانطور که آخرین نسخه مجله چاپی را در دستان خود دارید، آن را ارج